

هو الله

ای منادی پیمان دم صبح است و در خیابان باغ نیویورک راه میروم بیاد تو افتادم و بذکر تو پرداختم و در بین راه رفتن این نامه نگارم من میگویم و جناب آقا میرزا احمد مینویسد نامه‌ئی که مرقوم نموده بودید با تفصیل تاریخ آقا میرزا جانی کاشی و تحریف بیخردان جمیع واضح و معلوم گردید البتّه آن تحقیقات را بزودی اکمال فرمائید و نزد جناب ابی الفضائل محرمانه بفرستید و همچنین جوابی که خود آنجناب مرقوم مینمائید عندالتمام یک نسخه نزد ابی الفضائل و یک نسخه بجهت عبدالبهاء ارسال دارید من شب و روز مشغولم و در مجالس و محافل و معابد نعره میزنم و بحسب استعداد و لیاقت قوم صحبت میدارم زیرا در این بلاد بدایت تأسیس است باید ملاحظه استعداد و قابلیت قوم را نمود و در صحبت مدارا کرد و از مسائل ابتدائی صحبت نمود زیرا این صفحات مبتدی هستند نه مثل احبّای ایران منتهی علی‌الخصوص عبدالبهاء در مجامع عمومی صحبت میدارد که جمیع ملل و نحل حاضرند نه احبّاً تنها لهذا بجهت عموم ملل باید صحبت‌های ابتدائی داشت نه از حقایق معانی و غوامض مسائل الهی باری اگر فرصت داشتیم من مینوشتیم ولی ابدأً فرصت ندارم باید شما بعون و عنایت جمال مبارک از عهده این کار برآئید و یقین است تأیید میرسد جمیع یاران الهی را تحیت ابدع ابھی برسان و علیک البهء الأبھی

ع ع